

منوچهر انصاری، نوازنده ویلون و موسیقیدان در ۲۶ سالگی درگذشت. مسعود نظر نوازنده و سرپرست گروه موسیقی ارف، خبر درگذشت این هنرمند را تایید کرد و گفت: ایشان از قبل مقداری کسالت داشتند ولی بنابر آنچه از همسر ایشان شنیدم، کل خانواده کرونا گرفته اند و ایشان هم فوت شده‌اند. اودرباره مراسم درگذشت این هنرمند فقید گفت: هماهنگی‌هایی برای خاکسپاری ایشان در قطعه هنرمندان صورت گرفته و

کرونا

جان نوازنده پیشگوس

ویلون راگرفت



کادرسازی و جریان‌سازی برای جبهه فرهنگی انقلاب در عرصه تولید مستند، از امروز هفته فیلم سفیر فیلم با نمایش آثار این مجموعه برای اعضای باشگاه مخاطبان این مجموعه در حوزه هنری آغاز می‌شود. به همین انگیزه سعی کردیم عملکرد این مجموعه را با تمرکز بر یکی از تازه‌ترین تولیدات آن مرور کنیم. این اثر، مستند «دموکتاتور» به کارگردانی محمدحسین محمدی‌واله و تهیه‌کنندگی محمد فریدونی این مؤسسه است که در مصاحبه با چهره‌هایی چون عباس سلیمی‌نمین، کامران پورصفر، حسن امین، پیروز مجتهدزاده و داریوش همايون به ماجرای تک‌حزبی شدن ایران و دستور محمدرضا شاه برای تشکیل حزب رستاخیز می‌پردازد. محمدحسین محمدی‌واله و سیدمهدی درفولی، مستندساز و مدیررسانه سفیرفیلم، مهمان ما در تحریریه ماچم شدند و به سوالات درباره موضوع و نکات مختلف فیلم، لزوم تولید آثار استراتژیک و فعالیت‌های سفیرفیلم پاسخ دادند.

این‌اواخر به‌تویق افتاد؟ اجازه‌ندادند؟

نه، مسأله اجازه مطرح نبود. یکی بحث مصاحبه‌شونده‌ها بود و یکی هم بحث آرشيو. برای جمع‌آوری راش‌ها و آرشيوهای فیلم، شش‌ماه دونگی کردیم. یکی که يد طولانی در مستندسازی دارد، می‌گفت رجال سیاسی همه جای دنیا می‌گویند ما برای مصاحبه آماده‌ایم اما اینجا برعکس است و مستندساز می‌گوید آماده‌اید من پیام مصاحبه کنم؟ همین خیلی کار را سخت می‌کند و ناشناخته‌بودن کارگردان مستند و موضوع سیاسی فیلم هم که به مذاق برخی خوش نمی‌آید،

احتمالا یک‌شنبه یا دوشنبه پیکر این هنرمند به خاک سپرده خواهندشد. منوچهر انصاری سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد و پس از فارغ‌التحصیلی از هنرستان راهی کشور بلژیک شد و در کنسرواتوار سلطنتی بروکسل به مدت دو سال به تکمیل فراگیری ویلون پرداخت. اوسال ۱۳۵۵از دوره تکمیلی موسیقی اسپانیایی در شهر سانتیاگو دکومپوستلا تحت نظر آگوستین لئون آرا و سال ۱۳۵۶ از دوره تکمیلی نزد مانوئل دوفایا بهره

جریان سازی جبهه فرهنگی انقلاب

سفیرفیلم یک موسسه فرهنگی – رسانه‌ای است که سال ۸۹

با هدف کادرسازی و جریان‌سازی برای جبهه فرهنگی انقلاب در عرصه تولید مستند تشکیل شد. این موسسه از همان شروع فعالیت تلاش کرد با کارهای ژورنالیستی و دقیق و جریان‌سازی منطقی، حرف‌های خودش را درباره موضوعات سیاسی، تاریخ معاصر، مباحث استراتژیک و مسائل اجتماعی مطرح کند. یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سفیرفیلم، تولید آثار متناسب با اتفاقات روز جامعه است. اولین فیلم این موسسه «یزدان تنگ ندارد» واکتشی به ماجراهای سال ۸۸ بود که در سالروز آن اتفاقات و در سال ۸۹ به نمایش درآمد.

«مهارنشده» که بحث ترور دانشمندان هسته‌ای را مطرح می‌کرد، در اوج آن اتفاقات ساخته شد، «میراث آلبرتا» به قرار نخبگان در ابتدای دهه ۹۰ می‌پرداخت، «آقای نخست‌وزیر» و «پرزیدنت آکتور سینما» به بحث مذاکرات ارجاع می‌دادند، «شب‌نامه» نگرانی‌هایی را درباره استارت‌آپ‌ها مطرح می‌کرد، «داغ قیرباغ» به جنگ جمهوری‌آذربایجان و ارمنستان می‌پرداخت، «عقلا» که به شرایط کشور در دوران سازندگی می‌پرداخت، به وضعیت دولت روحانی نظر داشت و …

نکته مهم دیگر مخاطب هدف سفیرفیلم است و این موسسه آتارش را با تمرکز روی نسل جوان و دانشجو تولید می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های سفیرفیلم که آن را از دیگر مراکز تولید فیلم مستند متمایز می‌کند، نظرسنجی از حدود ۷۰ مخاطب قبل از انتشار رسمی آثار است. تماشاگرانی از طیف‌های مختلف، نسخه قبل از انتشار نهایی را می‌بینند، به آن نمره و نظرات‌شان را شرح می‌دهند و درنهایت ۱۰ درصد فیلم با جمع‌بندی آرای مخاطبان اصلاح و آماده نمایش می‌شود. دموکتاتور، عملیات دماوند، خون‌ریزی، دیوارکش، آسوده

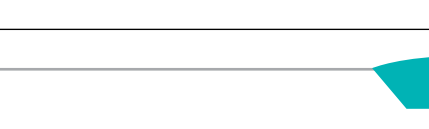
به‌خاطر همین به‌سمت تماشای مستند می‌آید تا در یک ساعت مطلبی را یاد بگیرد. درباره حزب رستاخیز کم‌کتاب نداریم و آقای مغفر شاهدی و دیگران آثاری در این زمینه نوشته‌اند؛ اما تیزر این کتاب‌ها خیلی بالا نیست و مخاطبان معمولاً دوست دارند خیلی خلاصه محتوای این آثار را بخوانند. به همین دلیل شما به‌عنوان مستندساز باید در یک زمان محدود مثلاً یک ساعت مطلب را عرضه و سعی کنید با مخاطب ارتباط برقرار کنید. کار شما از این جهت سخت است که باید آفیانوسی را به عمق یک میلی‌متر به مخاطب منتقل کنید تا این‌که استخری با عمق بی‌نهایت را در اختیار او بگذارید. این‌که در این زمان بتوانید ابعاد مختلف کار را درمقام راستی‌آزمایی بگویید و اضافاً راهم رعایت کنید، اهمیت دوچندانی دارد. به‌عنوان مثال در همین فیلم دموکتاتور هم آقای پیروز مجتهدزاده حضور دارد و هم مهندس عباس سلیمی‌نمین، آقای کامران پورصفر و هم آقای دکتر حسن امین. این نشان می‌دهد آقای محمدی تلاش داشت در مقام راستی‌آزمایی افراد مختلف را بیاورد و به نگاه یکجانبه متهم نشود.

۴] حال‌ا که صحبت مصاحبه‌شونده‌ها شد، این سوال را هم بپرس: در بخش کوتاهی صدای احمدعلی مسعود انصاری، از اعضای دربار پهلوی و پسرخاله فرح دیبا را می‌شنویم اما چرا تصویری از او نمی‌بینیم؟

محمدی: فیلم این صحبت در اختیار کسی بود که حاضر نبود آن را به ما بدهد. بعد از کلی چانه‌زنی، درنهایت تنها توانستیم از این صوت در فیلم استفاده کنیم.

درفولی: البته در نسخه راف‌کات، فیلم این صحبت را داشتیم اما در نسخه نهایی صوت آقای انصاری جایگزین شد. عرض این بود که اینجا کارگردان سعی کرده برای مخاطب، اطلاعات مختلفی بیاورد و اگر خانم فرح دیبا حاضر به حضور در این مستند نشده، چهره‌ای مثل آقای پیروز مجتهدزاده در فیلم حضور دارد که از سلطنت و حاکمیت پهلوی دفاع و حمایت می‌کند. اما این‌که بگوییم آقای محمدی نخواسته از رزنگذاری کند و در یک طرف بایستد، حرف غلطی است، چون شما به‌عنوان یک محقق و مستندساز و پژوهشگر، باید موضعی برای خود داشته باشید. شما نمی‌توانید بگویید من گوشه ایستاده‌ام و صرفاً نقل قول‌ها را آورده‌ام. اگر کسی این کار را کند، هم دچار نوعی شارلاتانیسم شده و هم بی‌شرفی، چون مدعی است دعوایی را قرائت و روایت کرده و برایش هم مهم نیست حق و حقیقت کدام است. ضمن این‌که این کار، وفاداری به حقیقت نیست، چون کارگردان باید موضع داشته باشد. در مرحله بعد هم شما به‌عنوان کارگردان، باید مخاطب را به یک جمع‌بندی برسانید. متأسفانه ما در این یک دهه اخیر کارهایی را داشتیم که درباره پهلوی ساخته شده، اما کارگردان به‌خاطر رندی که داشته سعی کرده بگوید من

جُست. وی سال ۱۳۵۷ موفق به دریافت دیپلم رشته موسیقی مجلسی از کلاس وان دن دوران و دیپلم رشته تجزیه و تحلیل موسیقی کلاسیک شد. در ادامه به شهرنپس فرانسه سفر کرد و در آکادمی بین‌المللی نیس نزد نوازنده ویلون بلژیکی موریس راسکن آموخته‌های خود را تکمیل و دیپلم آکادمی را دریافت کرد. در بیستمین جشنواره موسیقی فجر که بهمن ۱۳۸۳ برگزار شد با اهدای لوح تقدیر و جایزه از منوچهر انصاری تجلیل شد،/ ایسنا



بخواب کورش، ایکسونامی و هاشمی زنده است، برخی دیگر از آثار تولیدشده در سفیرفیلم هستند. بازمانده (درباره ورزشکاران ایرانی که با اسرائیل مسابقه ندادند)، هپکو (درباره اعتراضات کارگران هپکو)، بی‌پدری (درباره انقلاب جنسی و بچه‌هایی که بدون پدر بزرگ شدند)، همجنس‌گرایی (درباره انقلاب جنسی در آمریکای دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی) و فریخ (درباره اعتراضات کارگران فریخ) هم پنج مستند تازه و منتشرنشده سفیرفیلم هستند که در آینده‌ای نزدیک رونمایی می‌شوند.

جانب کسی را نگرفتم و صرفاً مواردی را نقل کردم. بعضی از مستندهایی که در برخی مراکز می‌سازند، سعی می‌کنند ژست روشنفکری بگیرند. نکته بعدی این‌که در کار تاریخی، سندیت آثار خیلی مهم است. چون مستند از اسناد می‌آید و شما باید اتفاقات تاریخی را کنار هم قرار دهید و نتیجه‌گیری درستی داشته باشید. در آخر همین مستند دموکتاتور منابع کار ذکر شده‌است و می‌توان با مرور آنها به سندیت فیلم پی برد. چیزی که اعتماد مخاطب را بیشتر می‌کند، داده‌های دقیق فیلم است، چه از طریق اشخاص چه از راه رسانه و روزنامه و چه در نریشن. درعین حال با همه این مستندات، فیلم جمع‌بندی خوبی هم دارد که باز مبتنی بر سند است و با نقل قول از کتاب «پاسخ به تاریخ» نوشته محمدرضا شاه، به پاسخ چرایی تک‌حزبی شدن ایران و اعتراف او به اشتباه در این زمینه می‌رسیم.

درفولی: تماشاگر مابه‌ازای حرف فیلمساز را در فیلم می‌بیند. به‌نظر من این سندیت، جزو نقاط قوت دموکتاتور و کارهای سفیر فیلم است. آقای محمدی ! باتوجه به برخی ارجاعات و مابه‌ازاهای امروزی دموکتاتور می‌توانیم نسبت به اثرات این مستند خوشبین باشیم؟ **محمدی:** بستگی به خود مستند و انتقال مفهوم آن به مخاطب دارد. هرچه مستند، دایره پوشش بیشتری داشته باشد، همان قدر تذکرش به جامعه بیشتر می‌شود. مثل خواندن کتاب است، هر قدر مردم بیشتر کتاب بخوانند، عمیق‌تر می‌شوند. هرچه بیشتر مستند ببینند، نسبت به آن موضوع، تذکاری برایشان پیش می‌آید. بعضی از مستندها نخبگانی است و مخاطب آن مسئولان هستند و تماشای آن می‌تواند جلوی یک اتفاق را بگیرد. دموکتاتور روی دو طیف مختلف مردم و مسئولان نظر دارد.

درفولی: دلیل تولید این مستند این بود که بتواند در فضای فعلی کشور حرفی برای گفتن داشته باشد. تعارفی هم وجود نداشت و اگر جمهوری اسلامی هم بخواده مسیر اشتباهی را در راستای موضوع فیلم برود، بی‌نیاز از نقد نیست. انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته این شبهه را به وجود آورد که حاکمیت قصد ایجاد یک‌دستی را دارد. نتیجه‌آن کمترین میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری بود که یک زنگ خطر است. این می‌تواند یک عبرت باشد که اگر نظر طیف‌های مختلف مردم، آن طور که باید لحاظ نشود و حاکمیت پشتوانه مردمی نداشته باشد، به کشور آسیب می‌رسد. البته عبرت تاریخی فقط هم مربوط به ایران نیست و اگر هراکم و مسئولی در جهان تاریخ بخواند و خوب آن را تورق کند، می‌تواند از خیلی مشکلات جلوگیری کند. هدف ما از تولید چنین آثاری هم عبرت از تاریخ است. اگر کسی تاریخ نخواند و آن را از طریق مستندهای تاریخی نبیند، اشتباه‌های گذشته را تکرار می‌کند.

فرهنگ

CULTURE

یکشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۸۲

درنگ

راه بسیار است برای شکوه دوباره



مهدی کاروبی / زمانه‌اشفیه منتقد تئاتر

آیین سیپاوش خوانی و یادگار زیریران است اما پس از اسلام آوردن ایرانیان در جاهای مختلف تبدیل به مناسک آیینی و یک هنر نمایشی با اتکا به روایت خونین کریلا و شهادت امام حسین(ع) شده است. شاید نخستین گام‌ها برای ایجاد تعزیه به دوره حکومت آل بویه، نخستین دولت شیعی در ایران برمی‌گردد و به‌طور آشکار درباره این روزهای خاص محرم و شهادت امام به دست یزیدیان ابراز اندوه می‌نمایند و در شهر با راه‌اندازی علم و کتل آشکارا سوگواری می‌کنند؛ چیزی که تاآن زمان اصلا مدن نبود و حتی جراتی برای ابراز نظرگاه‌های شیعی به‌طور رسمی و علنی وجود نداشت. شاید در دوره صفویه که باز حکومت شیعی مقتدرتر از پیش شکل گرفته باشد، این ابراز علاقه‌مندی به اهل بیت(ع) و امامان شیعه آشکارتر و توانمندتر از پیش اعلام شد. یکی از مظاهر این رویداد مهم همانا استقرار هنر نمایشی تعزیه است که روزبه روز بر تداوم و گستره نفوذش در شهرها و روستاهای پراکنده در ایران افزوده می‌شد. اما کامل‌ترین و باشکوه‌ترین دوره تعزیه همانا در دوره قاجار و بنابر خواست ناصرالدین شاه ممکن می‌شود.



اوکه در سفر به فرنگ شاهد انواع نمایش و تالارهای نمایشی بوده، در بازگشت به ایران درصدد استقرار یک تئاتر به معنای حقیقی است که در ابتدا در دارالفنون نمایش‌خانه‌ای را بنا می‌کند که در آن نمایش‌های به‌اصطلاح غربی آداپته شده است اما پس از چندی بنابر مخالفت‌های مرسوم در آنجا تخته می‌شود. سپس به دنبال یک راه‌حل اساسی، ناصرالدین‌شاه تعزیه را بهانه و انگیزه مناسبی برای عبور از این اختلاف‌نظر می‌یابد و در مکانی به نام تکیه‌دولت که بنایی عظیم و متحصصه‌فرد بوده، در ایام محرم و صفر دستور برگزاری تعزیه را می‌دهد. این راه‌حل می‌گیرد و حالا نسخه‌نویسان، معین‌البکها و نقش‌خوانان اولیا و اشعیا از جاهای مختلف ایران برای نقشن منظوری به پایتخت یا می‌گذارند و روزبه روز بر شکوه و جلال این هنر بی‌ظیلر و مردمی می‌افزایند. شوربخانه در نظام پهلوی اول، قشربون و روشنفکران با تعزیه مخالفت خود را اعلام می‌کنند و به دستور شاه تکیه‌دولت برچیده و جایش بانک ملی تاسیس می‌شود و این همان دلیل آشکار برای تضعیف تعزیه تاروکار فقلی بوده است. در پهلوی دوم، جشن هنر شیراز بهانه می‌شود که سراغ تعزیه بروند و با نگاه موزه‌ای تعزیه‌هایی را برای اجرای در جشنواره تدارک ببینند و این خود دلیلی برای آشنایی اهل‌فن از سراسر جهان با این هنر ناب و بی‌ظیلر خواهد شد و اهمیت تعزیه در اینجا برای ایرانیان مخالف با تعزیه نیز هویدا خواهد شد. پس از انقلاب، شاهد برخورد دوگانه با تعزیه‌ایم. گروهی که همچنان مخالف با آن هستند اما گروه دوم که آگاه‌تر و روشن‌ترند از پس این مخالفت‌ها برمی‌آیند. یعنی زمینه‌های رشد و شکوه دوباره تعزیه فراهم می‌شود و حتی فراتر از ثبت ملی، تلاش‌هایی نیز برای ثبت جهانی آن در یونسکو نتیجه‌بخش خواهد شد. هرچند که هنوز راه بسیار است برای آن جایگاه والا و ژرفی که باید برای تعزیه اتفاق بیفتد.

خبر

جهانگیریان، رئیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان شد

اعضای جدید هیات‌مدیره و بازرسان یکی از نهادهای صنفی اهل قلم یعنی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان معرفی شدند. اعضای هیأت‌مدیره در دوره جدید، عباس جهانگیریان را به عنوان رئیس و افسون امینی را به عنوان نایب رئیس هیأت‌مدیره انتخاب کردند. اعضای هیأت‌مدیره انجمن پس از انتخاب رئیس و نایب رئیس هیأت‌مدیره، سولماز خواجه‌وند را به عنوان دبیر انجمن و محمدرضا مرزوقی را به عنوان خزانه‌دار انجمن برگزیدند. در این جلسه علاوه بر برگزیدگان مذکور، مهدی حجووانی، مرجان قسولادوند، سیدعلی کاشفی‌خوانساری، شها انتظاریان و زهره مسکنی دیگر اعضای هیأت‌مدیره، فریدون عموزاده‌خلیلی و محمود برآبادی اعضای هیأت‌مدیره انجمن در دوره قبل که در این دوره نامزد نشده بودند و جعفر تونزده جانی و مناف یحیی‌پور بازرسان انجمن در این دوره نیز حضور داشتند. / جام‌چم